



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۰۷



دوديال

اولويت های امروزه برای نویسنده ها ومسئولیت نشریه ها

جای خوشی است که افغانها هنوز هم امکانات استفاده از نشرات را دارند و تعدادی زیادی نویسنده مقاله می نویسند. باوجودیکه تعداد مقالات اکادمیک و علمی در ژورنال های معتبر علمی کمتر اند، اما مقالات عمومی(خصوصاً سیاسی) در ویبسایت ها و فیسبوک ونشرات چاپی بامطالب متنوع به نظر میرسند. سطح آگاهی و شعور هموطنان طوریت که هم ضرورت به (Scientific/ heavy writing) و هم به (General writing) احساس میگردد. این را هم میدانیم که جامعه دارای ثبات نبوده ودر وضعیت مناسب قرار ندارد. مشکلات اقتصادی، موانع جدی در راه تعلیم، محدودیت آزادیهای فردی، نبود فرصت های استخدام، انزوای حاکمیت، مشکلات در انتقالات بانکی، مهاجرتها، ضعف خدمات عامه و تهدید های امنیتی وجود دارد. جای تاسف است که به مسایل حاد مانند:

- داشتن برنامه ها و پلنهای انکشافی، پالیسی علماً سنجیده شده برای آینده، تعیین ستراتیژی طویل المدت برای ترقی و رشد مادی و معنوی ؛ خصوصاً همگام با روند جهانی مانند تطبیق SDGs ، عملی نمودن سپارشهای موسسات جهانی در مورد محیط زیست و اقلیم، مصئونیت غذایی، بهبود خدمات عامه، معارف و صحت،
 - تلاش در راه وحدت ملی وخنثی نمودن تلاشهای مغرضین خارجی وعاملین تعصبات قومی، زبانی، منطقوی، مذهبی وبرملا نمودن اهداف شوم آنها،
 - استفاده از امکانات مختلف غرض تعلیم وتربیه و ارتقای ظرفیت ها، تا کیفیت منابع بشری برای آینده حفظ گردد (دستیابی به شاخص منابع بشری) ، در غیر آن فاجعه ی از سبب بسته ماندن دروازه های مراکز تحصیل و تعلیم به روی نیم نفوس کشور در مدت نزدیک واقع خواهد شد، که جبران آن ممکن نخواهد بود،
 - توجه به استفاده از معادن، آبهای جاری، باد، آفتاب، جنگلات، جلوگیری از انقراض انواع کمیاب بومی، تدابیر برای توقف مهاجرتها(اعم از اقتصادی، امنیتی و سیاسی)،
 - توجه به محیط زیست و حفظ بایوم ها و ایکو سیستم،
 - برداشتن قدمها در تعامل با جهان بیرونی و بیرون شدن از انزوا و رفع اثرات سوء اقتصادی و سیاسی آن،
 - کاهش میل قدرت طلبی افراطی، حرص مادیات پرستی، شهرت طلبی و رعایت انضباط و قوانین،
 -تدابیر موثر برای جلوگیری از تلفات وطنداران به دلایل خصومتها، امراض، حوادث طبیعی وترافیکی وتروورهای هدفمند،

- دریافت طرق استفاده بهتر از منابع جریانی، سرمایه های ملی، تدابیر برای تنوع حیات و حفظ ایکو سیستم ودرنهایت حکومنداری سالم که خدمات لازم را اجرا وفراهم نماید، کمتر دیده می شود.
 نوشتن و تنویر اذهان در موارد فوق اولویت است. تعدادی نسبت نبود فهم درین ساحات، تعدادی بنا بر عقده ها، تعدادی بنا بر اغراض و اشارات بیگانه از موضوعات فوق طفره می روند مسایل غیر ضروری وحتى مضر را مطرح میسازند. این عمل عمداً وضعیت مسلط را دامنه دار تر ودوامدار میسازد. مسئله ی زبان ها، اقوام، فدرالیزم، سرحدات و غیره مستقیماً مشکل مردم را حل نمی نماید. البته برای تحقیق در چنین موضوعات ادارات مشخص وجود دارد در حدود صلاحیت شان به انها خواهند پرداخت. مطرح کردن چنین موضوعات در مقالات عمومی، آنهم بشکل مغرضانه و غیر مسلکی نتایج منفی دارد. مهمتر اینکه اثرات بد آن همین اکنون ملاحظه میگردد. درین روزها هر قلم به شرح تبار و قوم وزبان پرداخته تاجیک، ترک و ازبیک، هزاره و پشتون را بنابرزعم خودشان طور دلخواه و آنچه دستور داده می شود و تلقین میگردد، معرفی میکنند. اشخاص غیر مسلکی مسایل زبان را سوژه قرار داده اند، آثار می آفرینند(!). مثلاً تعدادی قوم پشتون را اسرائیل، تعدادی انها را ایرانی و تعدادی منشای شان را هند معرفی کرده اند به همین ترتیب اقوام دیگر را!!! این تشریحات غیر مسلکی با درک علمی و فهم جامعه شناسی و بشرشناسی مطابقت ندارد. انستیتوت اتنوگرافی با دیدن این مقالات انگشت زیر دندان در حالت تعجب است. فدرالستان نوظهور، در حالیکه هنوز جغرافیای کشور را طور کامل آگاه نیستند و از روحیات مردم اطلاع ندارند طرح فدرالیزم را مطرح ساخته، حتا نمیدانند که مساحت قابل اسکان در کشور به اندازه یک ایالت بعضی کشورا و ظرفیت اقتصادی

و در هم تنیده گی معاملات اقتصادی آنقدر باهم بافته شده که با ایجاد سیستم فدرال باقی مسایل طی صد سال نیز قابل حل نبوده آنچه از جنگها باقی مانده آن هم نابود و ممکن کشور واحد ما را به سمت تجزیه ببرد.

اقوام با هم متحد منحيث يك ملت به اقتصاد، تعليم، ترقی، عدالت، وحدت، صحت، خدمات شهری و امنیت ضرورت دارند. هر قوم شريف ما و در مجموع ملت نجيب ما محصول نضج و انكشاف و پیوند اجتماعی طويل المدت است. پروسه ی طولانی بسیج اقوام محصول و نتیجه تشکل اقوام باهم برادر و ائتلافهای سازنده بوده روابط معقول منطقوی آنها را باهم جوش داده است. این پدیده ی اجتماعی کشور را میتوان مثالی از **ethno genesis** یاد کرد که ادیبان ظریف آن را به یک باغچه گلهای رنگارنگ تشبیه نموده اند، درینجا ابداع و تحریف شجره های افسانوی جای ندارد. متأسفانه عده ی حاکمیت گذرا و پنج روزه را تماماً به یک قوم وابسته معرفی می کنند، درحالیکه افراد گروه حاکم ترکیبی از همه اقوام و فقط یک ساختار مذهبی- ایدیالوژیک اند، منشا قوم و زبان برای شان صدق نمی کند. بهتر است عوض این تهمت ها راه حل را جستجو نمود.

حل از طریق وحدت ملی، انفاذ قانون اساسی، راههای سیاسی، ریفورم اقتصادی و ایجاد زیربنای اقتصادی، تامین عدالت و برابری، تخصص سالاری، بهبود کیفیت منابع بشری و شاخصای انكشاف نیروی کار، مدیریت منابع طبیعی اتصال منطقوی، تعامل با ممالک منطقه و جهان، ساختن نهادها و امثالهم است. هرگاه قلم ها را از افراط در تعصبات و ترویج هرچه بیشتر تضادها به سمت اتحاد و برآورده شدن اهداف فوق معطوف داریم امید راه حل عاجل دریافت و متباقی مسایل بعدا حل خواهد شد. بحث روی فدرال و انتخاب نام و غیره مسایل فعلاً نه ممکن است، نه ضرور و نه قابل قبول برای عموم. در تمام متن فوق نامی از (سیاسیون) که طی بیست سال گذشته فقط سیاه سیون بودند، برده نشد. بخاطری که باید نسل جدید و منورسیاسیون را تربیه نمود. جامعه ی مدنی را که شکل پروژه ی داشت، نیز نمیتوان به حساب آورد، باید ارزشهای معنوی، اخلاق متمدن و فرهنگ نوین را مبتنی بر وحت ملی از طریق تنویر اذهان انكشاف داد.